

ایران  
در آینه  
شعر روس

میخاییل سیننیکوف  
ترجمه  
ذرگش سنائی  
یوگنیا نیکیتنکو



به نام خدا

سرشناسه: سینلنیکوف، میخاییل

عنوان و نام پدیدآور: ایران در آینه شعرروس / میخاییل سینلنیکوف؛ مترجمان نرگس سنائي،  
یوگنیا نیکیتنکو.

مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهري: ۱۴۲ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۶-۲۶۳-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Иран В Зеркале русской Поэзии, МИХАИЛ СИНДЕНКОВ, 2016

موضوع: شعرروسی -- ترجمه شده به فارسی -- مجموعه ها

موضوع: شعرفارسي -- ترجمه شده از روسی -- مجموعه ها

موضوع: شعرروسی -- تاثیر فارسی

موضوع: ایران در ادبیات

شناسه افوده: سنائي، نرگس، ۱۳۵۳، مترجم

شناسه افوده: نیکیتنکو، یوگنیا، مترجم

رده بندي کنگره: PG ۲۲۳۰

رده بندي ديوسي: ۸۹۱/ ۷۱۰۸

شماره کتابشناسی ملي: ۸۰۴۸۹۰۴

ایران  
در آینه  
شعر روس

میخاییل سینلنیکوف

ترجمه

نرگس سنائی و  
یوگنیا نیکیتنکو



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Иран В Зеркале русской Поэзии, МИХАИЛ СИНЕЛЬНИКОВ

ایران در آینه شعر روس

میخاییل سینلیکوف

ترجمه نرگس سنائی و یوگنیا نیکیتنکو

طراح جلد: حبیب ایلوون

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراز: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: آیکان

همه حقوق محفوظ است

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتراز میدان ونک، شماره ۲۴۹۳

تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



«گل‌های تخیل شرقی را  
بر بر فهای شمالی بیفشن.»  
الکساندر پوشکین

به تمام آنانی که دلی در گروادیبات فارسی و روسی دارند.



## فهرست مطالب

۹	سخن آغازین
۱۵	پیشگفتار
۴۲	الکساندر پوشکین (اقتباس از قرآن)
۴۴	الکساندر پوشکین (به فاضل خان)
۴۶	الکساندر پوشکین
۴۷	الکساندر پوشکین
۴۷	یوگنی آنکین
۴۸	الکساندر پوشکین
۵۲	فن دور توتچف (سپر الگ)
۵۴	دمیتری ازنبیشین (میلاد مروارید)
۵۶	لوکیان یا کوبویچ
۵۸	میخاییل لرمانتف (مناظره)
۵۹	آفاناسی فت (ترجمه‌ای از حافظه)
۶۰	آپولون مایکف (دعای اعرابی)
۶۱	کنستانتین بالمونت
۶۲	ایوان بونین (بال‌های سفید)
۶۴	ایوان بونین (البرز)
۶۶	ایوان بونین (اهورا مزدا)

۶۸	والری بروسف (در باکو)
۷۰	سرگنی گارادتسکی (ایران)
۷۲	سرگنی گارادتسکی (در ایران)
۷۴	ولیمیر خلبنیکف (دیدار)
۷۶	ولیمیر خلبنیکف (شی در ایران)
۷۸	نیکلای گومیلیف (مینیاتور ایرانی)
۸۲	نیکلای گومیلیف (بخشی از نمایشنامه فرزند خدا)
۸۴	نیکلای گومیلیف (در باستان من)
۸۶	کستاتین لیپسکرف (کتاب فروش)
۸۸	الکساندر چاچیکف (به سرگنی یسنین)
۹۲	گنورگی شنگلی
۹۴	سرگنی یسنین (درونمایه‌های ایرانی)
۹۶	سرگنی یسنین (درونمایه‌های ایرانی)
۱۰۰	سرگنی یسنین (درونمایه‌های ایرانی)
۱۰۴	سرگنی یسنین (درونمایه‌های ایرانی)
۱۰۸	گریگوری سانیکف
۱۱۲	گریگوری سانیکف (فردوسی)
۱۱۴	گریگوری سانیکف (دیوان حافظ)
۱۱۶	گریگوری سانیکف (گفتگو با عمر خیام)
۱۲۰	رسول گامزاつ (در شیراز)
۱۲۴	یوری کلوچنیکوف (در باب بازسازی تاریخ)
۱۲۶	میخاییل سینتلنیکوف (تهران)
۱۲۸	میخاییل سینتلنیکوف (اصفهان)
۱۳۰	میخاییل سینتلنیکوف (ایران)
۱۳۲	سرگنی مارکوس (مسجد شیخ لطف الله، اصفهان)
۱۳۶	سرگنی مارکوس (مشهد)
۱۴۰	راویل بوخارایف (اسلام)
۱۴۲	سرگنی دیمیتریف

## سخن آغازین

چنانکه می‌دانیم زبان و ادبیات از اصلی‌ترین عوامل تاثیر و تاثر و ارتباط بین دو فرهنگ یا دو کشور به شمار می‌آید. ادبیات و بویژه شعر از دیر باز نقطه عطفی در تعامل و گفتگوی بین فرهنگ‌ها بوده است. آشنایی جهان با شعر و ادب فارسی و گرایش به سنت‌های مشرق زمین به قرون وسطی برمی‌گردد. سابقه تعامل فرهنگی و ادبی ایران و روسیه نیز به سالهای دور یعنی زمان پطر اول برمی‌گردد. اما دایر شدن مدرسه زبان فارسی و شروع آموزش زبان فارسی در روسیه تزاری از زمان یکاترین دوم، البته بیشتر در مناطق مسلمان نشین روسیه، شروع می‌شود. از سال ۱۸۰۴ طبق فرمان الکساندر اول، تدریس زبان فارسی در سطح دانشگاهها نیز آغاز می‌شود. قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی را می‌توان اوچ توجه شاعران روس به شعر فارسی و فرهنگ ایرانی دانست. شمار زیادی از شاعران عصر نقره‌ای و طلایی شعر روس، درباره ایران و درونمایه‌های شرقی-اسلامی اشعار بسیاری سروده اند که بیانگر جایگاه بر جسته ایران و فرهنگ ایرانی در ادبیات روسیه و در میان شاعران بر جسته روس است. بخش عمده‌ای از این اشعار حاکی از تعامل ادبی شاعران روسیه و تاثیر پذیری و الهام‌گیری

آنها از شاعران بزرگ ایرانی است. در این میان نباید از نقش ترجمه به عنوان مهمترین عامل شکل‌گیری این تعاملات غافل بود. این ترجمه‌ها اغلب از زبان‌های فرانسوی و آلمانی، توسط شاعران و نویسندهای بزرگ روس که برخی از آنها معاصر و دوست پوشکین بوده‌اند، صورت می‌گرفت. بعدترها ترجمه‌هایی توسط شاعر- مترجمان روس از زبان فارسی هم صورت گرفت. از جمله این شاعران مترجم می‌توان از واسیلی ژوکفسکی، آلسکسی خومیاکف، دمیتری ازنوبیشین و الکساندر گرییادف نام برد.

نویسندهای ایرانی و آثار بر جسته ادبی و دینی مشرق‌زمین، فرهنگ و اعتقادات شرقی و همچنین درونمایه‌های ایرانی، از دیرباز مورد توجه برخی نویسندهای ایرانی شاعران بزرگ جهان، و از جمله بزرگان ادبیات روسیه، همچون فنودور داستایفسکی، لف تالستوی، الکساندر پوشکین، آفاناسی فت، ایوان بونین، سرگئی یسنین، گاوریل درژاوین، میخاییل لرمانتوف، ولیمیر خلبنیکف، سرگئی گارادتسکی و ... بوده و جایگاه مهمی نزد آنان داشته است. در مجموعه آثار هر یک از این شاعران، شعرهایی با مضامین ایرانی - شرقی یافت می‌شود. در این میان، پوشکین، شاعر بزرگ اوایل قرن نوزدهم، علاقه‌فرانی به توصیف و انعکاس درونمایه‌های شرقی، مفاهیم قرآنی و همچنین تضمین از بزرگان ادب ایرانی همچون سعدی در شعر خود داشت. اشعار «اقتباس از قرآن» پوشکین که بخش‌هایی از آن در این گزیده گنجانده شده است، یکی از بر جسته‌ترین اشعار وی محسوب می‌شود که با الهام از آیات قرآنی سروده شده است. همچنین یسنین با نگارش مجموعه «دونمایه‌های ایرانی» بیش از دیگر شاعران روس، عشق و علاقه خود را به «میهن نیلگون فردوسی» ابراز نمود.

مجموعه حاضر برگرفته از کتاب «ایران و درونمایه‌های ایرانی

در شعر شاعران روس»<sup>۱</sup> اثر میخاییل سینلینیکوف شاعر معاصر روس است که به صورت گزیده و با عنوان «ایران در آینه شعر روس» ارائه شده است. معدود اشعاری با درونمایه ایرانی که در کتاب مذکور موجود نبوده، توسط مترجمان به این گزیده اضافه شده است. در انتخاب اشعار این مجموعه معیارهایی چون اهمیت شاعر، درونمایه، جذابیت و گیرایی شعر نزد مخاطب ایرانی در نظر گرفته شده است. این گزیده شامل پیشگفتاری بلند، پژوهشی و جامع از میخاییل سینلینیکوف مؤلف کتاب نامبرده است. سینلینیکوف در این مقدمه ارزشمند اولین بارقه‌ها و سابقه‌گراییش شاعران و مترجمان روس به فرهنگ و ادبیات ایران زمین را به تفصیل شرح می‌دهد. سپس ترجمة بیش از چهل شعر از شاعران کلاسیک تا معاصر روس به همراه اصل روسی شعرآمده است. اشعار این مجموعه شامل مضامین متنوعی چون مدح پیامبر، تعالیم دین اسلام و زرتشت، وصف طبیعت، هنر و معماری ایرانی و اقتباس، تضمین و تمجید از بزرگان ادب فارسی از جمله حافظ، سعدی، فردوسی، خیام و مولانا رومی است.

میخاییل سینلینیکوف شاعر معاصر روس با عشق و اشتیاق فراوانی که به شعر فارسی و بطورکلی به مفاهیم شرقی و ایرانی دارد، تا کنون به گردآوری و تالیف آثار زیادی با موضوع ایران و درونمایه‌های ایرانی و اسلامی پرداخته است. علاوه بر کتاب «ایران و درونمایه‌های ایرانی در شعر شاعران روس» که ذکر آن رفت، می‌توان از مجموعه «سرزمین گل سرخ» نیز نام برد. این مجموعه شامل اشعار این شاعر روس درباره ایران و همچنین برگردان اشعار شاعران کلاسیک ایرانی از جمله خاقانی، نظامی، جامی و ... به نظم روسی است. سه شعرو او

1. Иран и персидские мотивы в стихах русских поэтов, Сос. М.И. Синельников, М.: Вече, 2016. – 480 с.

با عنوان‌های ایران، تهران و اصفهان که در این مجموعه گنجانده شده است، حاکی از شوق و افروزی به ایران است، تا جایی که آرزومند آن است روزگاری در «زیر گتبد پر ستاره‌اش» زندگانی کند. در زیر سخن میخاییل سینلینیکوف را با مخاطبان ایرانی خود می‌خوانیم:

«از ایام کودکی، شیفتۀ افسانه‌های فارسی بودم، و در نوجوانی شعر عمر خیام، حافظ، نظامی، جامی و بیدل را دوست می‌داشتم. البته من فقط از طریق ترجمه‌هایی که در آن زمان در روسیه توسط استادان بر جسته صورت گرفته بود، می‌توانستم با شاعران ایرانی آشنا شوم. پس از چند سال مشتاقانه به آهنگ متعالی زبان فارسی گوش فرادادم، به ملوودی این زبان، که برای شعر آفریده شده بود.

آری شعر فارسی؛ یکی از شعرهای برتر جهان و از این میان، متناسب‌ترین آنهاست که بطور کامل به منصة ظهور رسیده است. بی‌شک در صورت عدم حضور شعر فارسی، در ادبیات جهان خلاء بزرگی ایجاد می‌شد، اما خوب‌بختانه ادبیات فارسی همچنان زنده است و در طول قرون به مخاطبان خویش روح می‌بخشد.

من چندین بار به ایران سفر کرده‌ام و از دیدن خیابان‌های تهران، حرم مشهد، اصفهان، شیراز و توس به وجود آمده‌ام. یکی از لحظات مهم زندگی‌ام را در تخت جمشید گذرانده‌ام. مجسمه‌ها و نقش‌های باستانی در مقابل نظرم بود. در آغاز زندگی‌ام، آنها را از طریق تصاویر دیده بودم، اما در نهایت تاریخ و ادبیاتی که در دل این تخته‌سنگ‌ها نهفته است را پس از عمری، با دستان خویش لمس کردم.

مسلم است که گردآوری یک مجموعه اشعار روسی اختصاص یافته به ایران و شامل درونمایه‌های ایرانی برای من کاری بسیار هیجان‌انگیز بود. به نظر من، در این کتاب، که ترکیبی است از اشعار سروده شده در طول چهار قرن، هیچ شعری روح وضعی و وجود ندارد. و در برگیرنده

شعرهای زیبا، شگفتانگیز و فاخر است که قابلیت قرارگرفتن در هر مجموعه شعر روسی را دارا می باشند. البته در گاهی موارد زیبایی این اشعار را نمی توان از طریق ترجمه بیان کرد. با این حال هنوز به موفقیت مترجمان و توانایی آنها در انتقال عمق اندیشه و احساسات پر روح شاعر، امیدی هست.

البته، ایرانیان به عظمت و تعالی شعر خویش عادت نموده اند. به قول سعدی، شیراز را با شعر نمی توان شگفت زده کرد، همانطور که ختن با مشک به شگفتی نمی آید.

با وجود این، من امیدوارم خوانندگان ایرانی به این کتاب که توسط خانم نرگس سنایی و هموطن ایرانشناس من یوگنیا نیکیتنکو ترجمه شده است به دیده لطف بنگرند. چراکه نمی توان نسبت به پیام عشق و دوستی که توسط شاعران روس به زبان آمده است، بی تفاوت بود. تنها تعداد کمی از این شاعران کشوری را که در شعر خویش ستایش کرده اند به چشم خود دیده اند، اما همه آنها شیفتۀ تاریخ و ادبیات متعالی آن بوده اند، که در برخی موارد تاثیراتی بر ادبیات روسیه نیز گذاشته است. شعر بیانگر روح مردم است و در این مجموعه روح روسیه با شور و شوق و عشق با ایران جاودانه سخن می گوید.»

در پایان، گفتنی است که تمامی شعرها و مقدمه کتاب حاضر توسط هر دو مترجم ایرانی و روس به فارسی ترجمه شده است. برگردان ادبی و شعرگونه اشعار توسط این جانب انجام شده است. در برگردان شعرها کوشیده ام روح روسی شعر حفظ و محتوای آن تمام و کمال با زبانی ادبی و شاعرانه بیان شود. امیدوارم توانسته باشم به خوبی از عهده این مهم برآمده باشم.

به نظر می رسد در خصوص درونمایه های ایرانی - شرقی در شعر شاعران روس جز پژوهش های موردنی در خصوص پوشکین،

لر ماتائف و یسینین تا کنون پژوهشی جامع که در بردارنده طیف وسیعی از شاعران روس باشد، صورت نگرفته است. شایان ذکر است که مفاهیمی چون اقتباس، تضمین، بینامنتیت که بوضوح در اشعار منتخب این مجموعه دیده می‌شود، در چارچوب مطالعات تطبیقی قابل بررسی است. امید که مجموعه حاضر گامی هرچند کوچک در این راستا و در جهت آشنایی بیشتر علاقمندان این حوزه با شاعران کلاسیک و معاصر روس که به نوعی تعلق خاطری به ایران و فرهنگ و ادبیات ایران داشته اند، باشد و راهی برای پژوهشی اساسی در این زمینه بگشاید. در پایان بر خود واجب می‌دانم از آقای سعید دمیرچی مدیریت محترم و دست‌اندرکاران نشر هرمس که همواره در چاپ و انتشار کتاب‌های دوزیانه بویژه در حوزه ادبیات روسی پیشگام بوده‌اند، قدردانی نمایم. امید که در آینده افتخار همکاریهای بیشتری با این نشر وزین داشته باشم.

مسکو. دسامبر ۲۰۱۷

نرگس سنانی

## پیشگفتار

آسمان روشن و نیلگون است<sup>۱</sup>

مورخان و جغرافی دانان مسلمان در دوران بتپرستی روسیه کیفی - نوگوردی به روس‌هایی اشاره کرده‌اند، که نظامی گنجوی نیز در اشعار خود از آنها یاد کرده‌است، روس‌هایی که در اوایل قرون وسطی به سواحل جنوبی دریای خزر سفر کردند. در میان آنها هم فرستادگان و بردگان و نظامیان، و هم مسافران و تاجران کاوشگر بوده است. از جمله این تاجران لازم است از آفاناگی نیکیتین<sup>۲</sup> که با گذشت بیش از پنج قرن هنوز از شهرت زیادی برخوردار است، نام برد. او اهل تور<sup>۳</sup> بود. در راه سفر خود تحت عنوان "آن سوی سه دریا" به مقصد هندوستان، در نزدیکی دریای خزر، که یکی از سه دریای مذکور است، توقف کرد و میهمان شبه جزیره آبشوران شد و از مسیر کاروان‌های ایرانی گذشت. افزون براین از قدیم‌الایام در میان مسافران روس، شاعران هم دیده می‌شدند. به عنوان مثال، در قرن هفدهم میلادی الکسی میخایلوویچ<sup>۴</sup>،

۱. سطر آغازین از قطعه هفتم درونمایه‌های ایرانی یستین، که در این مجموعه آمده است

2. Афанасий Никитин (пер. пол. XV в. – 1475).

3. Тверь.

4. Алексей Михайлович (1629–1676 г.)

هیئتی رانزد شاه ایران اعزام کرده بود. در این هیئت یکی از اولین شاعران روس به نام الکسی رومانچوکف<sup>۱</sup> نیز حضور داشت. از شعرهایی که شاعر در طول این مسیر گفته است، افسوس که چیزی بر جای نمانده است، تنها شعرهایی که در جنگ شعری یکی از همراهانش ثبت شده، به دست ما رسیده است. در زمان پطر کبیر بخشی از سواحل جنوبی دریای خزر برای اولین بار هرچند کوتاه‌مدت، توسط ارتش روسیه اشغال شد. در سال ۱۷۲۲ هنگامی که پاول لوف افسر مجروح از جنگ با ایران بر می‌گشت، در شب‌های مه‌آسود پاییزی که در کنار آتش در ساحل دریای خزر می‌گذرد، یکی از تاثیرگذارترین ترانه‌های روسیه قرن هجدهم را می‌سراید.

«بسان مِ که بر فراز دریای نیلگون،

غمِ بدکردار نیز بر فراز قلب من  
جای گرفته است.

مه از دریای نیلگون رخت برنمی‌بندد  
و اندوه نیز از دل من.

این ستاره نیست که در دور دست می‌درخشد،

خرده‌آتشیست که در دشت‌های خلوت روشن است»

این شعر همچنان ادامه دارد تا زمانی که قهرمان به شکل غم‌انگیزی زندگی را بدرود می‌گوید...

اما خوشبختانه، پاول استپاویچ با موفقیت و به سلامت به سرزمین خویش بر می‌گردد و به حکم سرنوشت ازدواج می‌کند. نوء او نیکلای الکساندر روبرویچ لوف<sup>۲</sup>، که نویسنده بود، مجموعه معتبری از ترانه‌های فولکلور روسی را گردآوری کرد. ترانه پدر بزرگش نیز ماندگار شد، به هر

1. Алексей Романчуков (первая половина XVII в.).

2. Николай Александрович Львов (1753–1803).

روی، سطراولش «بسان مه بر فراز دریای نیلگون» با زیبایی غیرقابل بیان و ترجمه‌ناپذیرش هنوز گوشها را می‌نوازد و قلب روس‌ها را به شوق می‌آورد. اگرچه بسیاری از مردم نمی‌دانند منظور از این دریای مه‌آلود و پرشور و با ابهتی که در این ترانه غمانگیز ذکر آن رفته است، دریای خزر است.

اکنون رویدادهای سال ۱۷۹۷ را مژه می‌کنیم. مورخ ایرانی این گونه توضیح می‌دهد: «پای سرداری که ملکه وی را به عنوان گماشته همراه ارتش می‌فرستد، بر اثر اصابت توپ قطع می‌شود، از این رو برای او پای طلایی می‌گذارند و به همین دلیل نام قزل‌ایاق را بر او نهاده بودند. چهل هزار نیروی پیاده نظام، بیست هزار سواره نظام و توپ‌های بی‌شماری تحت فرمان و در اختیار او بودند. هنگامی که به حوالی شهر دربند رسید، قصد تصرف آنجا را داشت و می‌خواست دیوارهای آن را به توپ بیندد. اما از آنجایی که دیوارها از صخره مقاوم‌تر و ضخیم‌تر بودند، کوچک‌ترین اثری بر آن نگذاشت. در این میان شیخ علیخان دربندی، بسیاری از مردم را به خاک و خون کشید، ولی شخصی به نام خزر-بک<sup>۱</sup> که از زیردستانش بود به او خیانت کرد و روس‌ها به شهر دست یافتند. و قزل‌ایاق در دشت مغان ظاهر شد. وقتی که شاه از این موضوع آگاه شد، با سپاهیان بی‌شماری که کوه و دشت را پوشانده بودند، به سرعت به سمت اردبیل روانه شد، طوری که قزل‌ایاق امیدش را به نجات یافتن کاملاً از دست داد. از این رو خود را همچون گنجشکی در چنگال باز یا برهای در آغوش گرگ یافت. کاملاً سرگشته شد و نمی‌دانست باید چه اقدامی کند. ناگهان خبر رسید که ملکه خورشید کلاه (کاترین دوم) از دنیا رفته است. قزل‌ایاق فرصت را غنیمت شمرده و به سرعت روانه روسیه شد

1. خازار-بک.

و ارابه‌ها را ره کرد و به سرنوشت سپرد و سپاهیان شاه این ارابه‌ها را به غنیمت برداند؛ این نشانه رحمت خداوند متعال است". اینجا سخن از یورش مت加وزگرانه سپاهیان روس تحت فرماندهی والریان زویف ۲۴ ساله است. وی بسیار مورد علاقه و توجه کاترین دوم بود، این جنگ در آغاز پیروزمندانه بود و سپاهیان بسیار جدی و مصمم پیش می‌رفتند، در عین حال نورعلیخان هم که قصد نشستن بر تخت سلطنت را داشت، به سپاه روس پیوسته بود و همراهشان می‌رفت. پیشروان سپاه به گیلان رسیده بودند، اما سرنوشت این واقعه تاریخی را به گونه‌ای دیگر رقم زد. کاترین کبیر از دنیا رفت و پسرش که از او نفرت داشت، بر تخت سلطنت نشست. وی هر آنچه را که مادرش تصویب کرده بود، لغو نمود. گاوریل درژاوین<sup>۱</sup> که بزرگترین شاعر قرن ۱۸ روسیه بود، در وصف برگشت شتابزده فرمانده سپاه روس از ایران که خیلی زود از چشم شاه افتاده بود، شعر فوق العاده‌ای سرود که در آن ضمن ارائه تصویری خیالی از استان‌های ایران، اسکندر مقدونی بخت برگشته روس (زویف) را به شجاعت و مقاومت در مقابل رنج سرنوشت و به تسلای خاطر دعوت کرده بود. درژاوین که در وصف و ستایش پیروزی اشعار زیادی سروده بود، در این شعر هم که در وصف شکست بود، بر دیدگاه خود نسبت به جهان باقی مانده است. همان فلسفه طبیعی خاصی که عبارت بود از ترکیب عجیبی از رواقی گری قهرمانانه و اپیکوریسم اربابان، که در مورد درژاوین همیشه توأم با یک الهام حماسی- غنایی بود...

نه تنها معاصران پوشکین و ژوکفسکی<sup>۲</sup>، بلکه معاصران درژاوین نیز اطلاعات زیادی درباره ایران داشتند. منبع اطلاعات آنها نه تنها

1. Гавриил Романович Державин 1816–1743().

2. Василий Андреевич Жуковский 1852–1783().

آثار هرودت، بلکه شامل آثار غربی نیز می‌شد. هم «نامه‌های فارسی» منتسبکیو و هم «زادایگ<sup>۱</sup>» ولتر را نیز خوانده بودند. ضمناً قهرمان داستان ولتر در ایران قبل از اسلام به سرمی‌برد، و تعالیم زرتشتی هم تا حدی برای روس‌های آن زمان آشنا بود. (زرتشت را قانونمداری بزرگ و دوستدار راستی می‌شمردند) در یکی از شعرهای درژاوین، کاترین دوم قوانین را به رعایای خود اعلام می‌کند، درحالی که به بت زرتشت تکیه داده است. ترجمه‌های فرانسوی و بعدتر آلمانی از آثار کلاسیک فارسی نقش بسیار مهمی در روشنگری روس‌ها ایفا کرد. و به تدریج ترجمه‌های روسی از روی این آثار، و سپس از نسخه اصلی آنها آغاز شد و به شناخت فرهنگ و کشور ایران کمک نمودند و اندک اندک سعدی، حافظ و خیام، پیروان واقعی خود را در روسیه پیدا نمودند.

زیارت مقبره سعدی که در شیراز است، تاثیری ماندگار بر روح آدمی می‌گذارد. آن گنبد فیروزه‌ای لطیف و متناسب‌بیش که گویا تمام جهان را دربرمی‌گیرد و به آن صلح و آرامش می‌بخشد، از خاطر نمی‌رود. گنبدی که بر فراز آخرین پناهگاه آن سالک جاودان است، جایی که او درنهایت آرام و قرار گرفته است. عطر گل‌های رز گلستان که پیوسته در حال شکفتن و فرو افتادند، جاودانه است، آن سکوت احترام‌آمیز ابدی ... دقیقاً اینجا دیگر بار و از نو درمی‌یابیم که لازمه هنر فاخر درنهایت چیزی بیش از بیان هنرمندانه اشتیاق است، و همانا منظور، غلبه و همبستگی و هماهنگی همه‌جانبه است. مصلح‌الدین سعدی که چنان عمر طولانی داشته و تمام ایده‌های خلاقانه خود را چنین درخشان تحقق بخشیده است، پس از گذشت قرنها از سرایش و گسترش شعر فارسی، همچنان نمادی از شعر محسوب می‌شود، و شعر فارسی در طی تکامل خود مایه شگفتی دنیا شده و در مقایسه با شعر

۱. «زادایگ» یا کتاب سرنوشت، نوشته ولتر نویسنده و فیلسوف فرانسوی

بزرگان دیگر کشورها به طور کامل تر و برجسته‌تری ظاهر شده است. مخاطب روس با ورود به دنیای شعر سعدی، ناگزیر از جستجوی شباهت‌های این نابغه شیرازی است و بی‌درنگ بی‌می‌برد که در ادبیات روسی تنها شعر و ویژگی‌های شعری الکساندر پوشکین با او قابل مقایسه است، البته این تشبيه خیلی دقیق نیست. اما به هر روی نوعی تطبیق و ویژگی‌های مشترکی در آثار سعدی شاعر ایرانی و پوشکین شاعر روس که پنج قرن پس از اوی می‌زیسته است، وجود دارد. این اشتراکات عبارت است از هوش غریزی سرشار، خردمندی طبیعی توأم با احساس عمیق، و علاوه بر این، باور به قدرت و پیروزی نهايی خرد که لازمه خلاقیت است (همان طور که پوشکین جوان با اشتیاق می‌گفت: «ازنده باد خورشید، نابود باد تاریکی»). هم در پوشکین و هم در سعدی، ایده‌های بزرگ آمیخته با ظرفیت‌های خلاقانه قوی وجود داشت، اما امکان کمی برای تحقق مطلق و کامل ایده‌های آنها وجود داشت. بدون در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف، پوشکین و سعدی دارای عزمی راسخ برای آفرینش آثار خود با تناسب و هماهنگی به راستی معجزه‌آمیزی بودند. فقط تنها یک تفاوت نامیمون داشتند، همان طور که می‌دانیم، سعدی به شاعران توصیه می‌کرد که سی سال اول عمر خود را به فرآگیری دانش بپردازند، سی سال دوم سفر کنند و سی سال سوم را به خلق آثار اختصاص بدهند. خودش نیز به همین گونه عمری طولانی و پربار داشت. اما پوشکین مراحل کمال و پختگی را با سرعتی غیرمعمولی تا قبل از سی سالگی طی نمود و به تکامل رسید و فقط سی و هفت سال زندگی کرد. فقدان او برای هموطنانش مصیبتی بزرگ به شمار می‌رفت. میتسکویچ<sup>۱</sup>، دوست پوشکین و شاعر بزرگ لهستانی، طی سخنرانی‌هایش در پاریس، اذعان داشت محال

۱. Адам Бернард Мицкевич (1798–1855).

است چنین فرد بزرگی دو بار به یک ملت عطا شود. با رفتن پوشکین زمانه دگرگون شد و یک خلاً پر ناشدنی و اصلاح ناشدنی ایجاد شد. از این رو چنین احساس می‌شود که پوشکین عمارتی را در فرهنگ روسیه بنانهاد، اما تها یکی از درهای این عمارت را توانست به روی مردم بگشاید، و در مورد دیگر ویژگی‌های این عمارت، تنها می‌توان حدسیاتی با ابهام زد. به هر روی و با این وجود مسلم است که پوشکین آفریده شد تا او نیز نابغه‌ای همچون دانته، گوته و سعدی شود.

فیودور داستایفسکی در سخنرانی معروف خود عنوان کرد که همدلی جهانی از ویژگی‌های پوشکین بوده است. شاید بتوان گفت که یکی از مشخصه‌های ادبیات روسی، همین توانایی درک و ویژگی‌های هر فرهنگ و ملیت، درک و پذیرش روح ملیت‌های دیگر و تجلی آنها به آسانی است، اما این توانمندی فقط در شعر پوشکین تکامل یافته و بطور واضح بیان و منعکس می‌شود. البته پوشکین در طول تمام دوران پختگی اش هیچ‌گاه نسبت به حیات و گنجینه معنوی شرق، دوران باستان، قرون وسطی و زمان خود و بیش از همه، نسبت به جهان اسلام بی‌تفاوت نبود. وی تلاش می‌کرد اگرچه ذره‌ای از این گنجینه ناتمام را به دست بیاورد و سعی بر این داشت که قطره‌ای از این زیبایی و خرد جاودانه را کسب کند و در شعر خود به کار گیرد تا بدین ترتیب شعر روسی را غنی‌تر کند. از جمله شواهد آن می‌توان به شعرهای «اقتباس از قرآن» و یکی از شعرهای برجسته او تحت عنوان «پیامبر» که بی‌شک نه تنها از تورات، بلکه از زندگی پیامبر نیز نشأت گرفته است، و همچنین به آخرین شعرهاییش اشاره کرد. البته اینجا با توجه به موضوع مورد نظر ما، شعر «فواره با غچه‌سرای» را، که با درونمایه‌های شرقی آمیخته و نقل قولی از سعدی در آغاز آن آمده است، نباید از خاطر برد: